

Original Article

Responsibilities Arising From Child Abuse With Emphasis On Imami Jurisprudence And The Charter Of Citizenship Rights

Ebrahim Karimi¹, Mohammad Adibi Mehr^{2*}, Ahmad Reza Behniya Far³

1. PhD Student, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran.

2. Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Farabi Campus, University of Tehran, Tehran, Iran. (Corresponding author) Email: madiby@ut.ac.ir

3. Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran.

Received: 6 Dec 2018 Accepted: 30 Dec 2020

Abstract

Background and Aim: In Iranian Domestic Law, in the Iranian Civil law, The Second Chapter of the Eighth Book is Dedicated to the Issue of Child Care and Education and in This Regard, it has Placed Responsibilities on Parents, Which are Referred to as Responsibilities Arising From Negligence. The Charter of Citizenship Rights Approved in 2016 Also Provides for the Maintenance and Upbringing of Children. The Purpose of This Study is to Align Global Views to Protect the Human Dignity and Civil Rights of Children and to Prevent Injuries That Prevent Children From Achieving Their Real and Legal Rights.

Materials and Methods: The Present Study is an Applied Comparative Method in Terms of Identifying the Legislator's Policy in Relation to Parental Neglect and Legislated Cases to Prevent the Issue of Negligence, Compensation for Damages to Children Who Have Been Neglected.

Ethical Considerations: In All Stages of Writing This Article, Ethical Principles and Honesty Have Been Observed

Findings: The Findings Indicate That the First Success, Development and Growth of any Society Depends on the Children in Which They are Brought up, Who are in Fact the Real Builders of the Future of That Society. Therefore, Special Attention Should be Paid to Both Their Material and Spiritual Needs. And in This Regard, they Need to Train Parents. But This Upbringing Should not be Neglected and Faces Limitations, Including Restrictions on Conflict With the Child's Physical Rights and Restrictions on Conflict With the Child's Spiritual Rights.

Conclusion: Most of the Problems that People Face in Relation to Their Children Stem From Insufficient Knowledge of Islamic Laws and Regulations, Especially Civil Rights in this Regard. Identifying Legislative Cases of Criminalizing Issues Arising From the Issue of Parental Neglect, Identifying Legislated Cases to Compensate the Moral Damage Suffered by the Issue of Child Neglect, and the Scientific Growth and Development of Children are Among the Cases. Due to the Lack of Awareness of the Individual, Social and Citizenship Rights of Children, the Burden of Negligence Falls on Their Parents.

Keywords: Children; Citizenship Rights; Imami Jurisprudence; Law

Please Cite This Article As: Karimi E, Adibi Mehr M, Behniya Far A R. Responsibilities Arising From Child Abuse With Emphasis On Imami Jurisprudence And The Charter Of Citizenship Rights. *Iran J Med Law, Special Issue on Human Rights and Citizenship Rights 2018; 399-411.*

مسئولیت‌های ناشی از سوءتکفل کودکان با تأکید بر فقه امامیه و منشور حقوق شهروندی

ابراهیم کریمی^۱، محمد ادیبی‌مهر^{۲*}، احمدرضا بهنیاافر^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران.

۲. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، پردیس فارابی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: madiby@ut.ac.ir

۳. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران.

دریافت: ۱۳۹۷/۰۹/۱۵ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۱۰

چکیده

زمینه و هدف: در حقوق داخلی ایران و در قانون مدنی این کشور، باب دوم از کتاب هشتم، به مبحث نگهداری و تربیت اطفال اختصاص دارد و در همین زمینه نیز مسئولیت‌های را بر عهده پدر و مادر قرار داده است که از آن‌ها تحت عنوان: «مسئولیت‌های ناشی از سوءتکفل» یاد می‌شود. در منشور حقوق شهروندی (مصوب ۱۳۹۵) موضوع نگهداری و تربیت اطفال پیش‌بینی شده است. هدف از این تحقیق همسو شدن افکار جهانی برای حفظ کرامت انسانی و حقوق شهروندی اطفال و جلوگیری از آسیب‌ها و لطماتی است که کودکان را از رسیدن به حقوق واقعی و قانونی آنان باز می‌دارد.

مواد و روش‌ها: تحقیق حاضر با روش تطبیقی کاربردی صورت گرفته است برای شناسایی سیاست قانونگذار - در ارتباط با سوءتکفل والدین - موارد قانونگذاری شده جهت پیشگیری مسئله سوءتکفل و جبران خسارت وارده بر اطفالی که مورد سوءتکفل قرار گرفته‌اند.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش این مقاله اصول اخلاقی و صداقت رعایت گردیده است.

یافته‌های تحقیق: یافته‌ها حاکی از این است که اولین موفقیت و رشد و توسعه هر جامعه‌ای بستگی به اطفالی دارد که در آن محیط تربیت و پرورش می‌یابند، در واقع سازندگان واقعی فردای جامعه کودکان هستند. لذا می‌بایست هم نیازهای مادی و هم معنوی آنان توسط والدین مورد توجه خاص قرار بگیرد، اما این تربیت نباید با سوءتکفل مواجه شود و با محدودیت‌هایی شامل: محدودیت‌های ناشی از تراحم با حقوق جسمانی کودک و محدودیت‌های ناشی از تراحم با حقوق معنوی کودک روبه‌رو شود.

نتیجه‌گیری: بیشتر مشکلاتی که مردم - در ارتباط با فرزندان خود - با آن مواجه هستند، از عدم اطلاع کافی با قوانین و مقررات اسلامی به خصوص حقوق شهروندی نشأت می‌گیرد. شناسایی موارد قانونگذاری جرم‌انگاری، مسائل ناشی از مسأله سوءتکفل والدین، شناسایی موارد قانونگذاری شده جهت جبران خسارت معنوی بزه‌دیده ناشی از مسأله سوءتکفل، رشد و توسعه علمی کودکان از جمله مواردی است که به دلیل عدم آگاهی به حقوق فردی، اجتماعی و شهروندی کودکان، مسئولیت‌های ناشی از سوءتکفل را بر والدین آنها می‌گذارد.

کلید واژگان: سوءتکفل؛ اطفال؛ حقوق شهروندی؛ فقه امامیه؛ حقوق

مقدمه

در منشور حقوق شهروندی در ماده (۳) به مسأله سوءتکفل کودکان پرداخته است «براساس بند (۲۷) ماده (۳) منشور حقوق شهروندی، دولت مکلف است آزادی والدین و سرپرستان قانونی اطفال را در تأمین آموزش مذهبی و اخلاقی کودک براساس معتقدات خودشان، محترم بشمارد. بند (۱۳۶) ماده (۳) منشور حقوق شهروندی: والدین کودک در حین تولد حق دارند نام مورد توافق کودک خود را آزادانه و وفق مقررات انتخاب نمایند. بند (۱۰۸) ماده (۳) منشور حقوق شهروندی: اطفال و نوجوانان باید از حمایت‌های ویژه برخوردار شوند. نظر این افراد باید در مسائلی که مربوط به زندگیشان محسوب می‌شود، با در نظر گرفتن سن و درجه رشد آنها مورد توجه قرار گیرد با وحدت ملاک از بندهای فوق در ماده (۳) منشور حقوق شهروندی به‌خصوص بند (۱۰۸) ماده فوق‌الاشعار در منشور حقوق شهروندی اطفال نیازمند حمایت‌های ویژه‌ای هستند و نظر آنان درخصوص مسائلی که مربوط به زندگیشان محسوب می‌گردد، باید اخذ شود؛ بنابراین در فقه امامیه و همچنین نظام حقوقی ایران و اسناد حقوقی بین‌الملل از حق والدین بر طفل به عنوان یکی از حقوق به رسمیت شناخته شده یاد می‌شود، هرچند حق والدین بر طفل در فقه امامیه و حقوق موضوعه به رسمیت شناخته شده؛ با این حال، دامنه اعمال حق یادشده، همچون بسیاری از حقوق انسانی و بشری مطلق نبوده و مشمول محدودیت‌های قانونی و فقهی می‌گردد».

تلاش‌های جهانی در راستای حمایت از طفل به عنوان آسیب‌پذیرترین عضو خانواده منجر به تصویب کنوانسیون حقوق طفل گردید که کشور ایران نیز در (سال ۱۳۷۲) طی ماده واحده‌ای - به شرط عدم مغایرت مفاد آن سند با موازین شرعی و حقوق داخلی - به آن پیوست. در این مقاله، سعی شده است که ضمن بیان پیشینه‌ای از موضوع، بررسی تطبیقی حقوق طفل در قرآن و کنوانسیون حقوق کودک و حقوق شهروندی، نقش خانواده در تربیت صحیح اطفال از منظر حقوق شهروندی، محدودیت‌های حق والدین در تربیت کودکان با استناد به حقوق شهروندی، حق طفل بر دارا بودن

حریم خصوصی به عنوان مصداقی از حقوق شهروندی پرداخته شود و در پایان به نتیجه‌گیری شده است.

ما در این تحقیق اهدافی را به شرح ذیل دنبال می‌کنیم: الف) بررسی راهکارهای ارائه‌شده در فقه امامیه و حقوق موضوعه در باب سوءتکفل کودکان و مسئولیت‌های ناشی از آن. ب) بررسی جنبه پیشگیرانه راهکارهای ارائه‌شده در فقه امامیه و حقوق موضوعه در باب سوءتکفل کودکان و مسئولیت‌های ناشی از آن. ج) شناسایی و تبیین مهم‌ترین مبانی مرتبط با مسأله سوءتکفل کودکان در فقه امامیه و حقوق موضوعه ایران جهت استنتاج احکام و مواد قانونی متناسب و راهگشا.

اهمیت و ضرورت تحقیق

حقوق کودکان به‌عنوان آینده‌سازان مملکت اسلامی باید محترم شمرده شود. همان‌گونه که در منشور حقوق شهروندی مورد توجه بوده است. در عصر حاضر، اگر امور تربیت و اصلاح از سوی مراجع قضایی یا سایر نهادهای حمایتی مورد توجه قرار می‌گیرد، این موضوع تحت عنوان یک حق برای آنان در نظر گرفته شده است؛ زیرا اگر طفلی کج‌رو است، قطعاً در برهه‌ای از زمان به شکلی در ادای حقوق ذاتی او اهمال شده است. آنچه که ادیان الهی خصوصاً اسلام به حقوق ذاتی کودک برای ساختار جامعه‌ای سالم و ورود فردی سالم برای دگرگونی و دگراندیشی برای سلامت جامعه مد نظر است، کنوانسیون حقوق کودک نیز در بسیاری از موارد همان حقوق را در مواد خود بارها یادآور شده، جامعه جهانی را برای حصول آن ترغیب کرده است.

محدودیت‌های تحقیق

محدودیت‌های این تحقیق با عنایت به موضوع؛ نبود منابع کتابخانه‌ای متنوع و عدم دسترسی به منابع است. با عنایت به مطالعاتی که در زمینه پیشینه تحقیق صورت پذیرفت، پژوهشی که نزدیک به موضوع باشد، یافت نشد و مواردی که در سطور بعدی عنوان می‌شود ذیل می‌توانند نزدیک به موضوع ما باشند.

مقایسه یافته‌های قبلی با یافته‌های مشابه

در مقایسه یافته‌های تحقیق با یافته‌های مشابه، مشخص گردید که یافته‌هایی که بتواند به مسؤولیت‌های ناشی از سوءتکفل کودکان - با تأکید بر فقه امامیه و منشور حقوق شهروندی - به صورت کامل و جامع مورد بررسی قرار دهد، یافت نشد. در یافته‌های قبلی، فقط به حقوق کودک در اسلام و حقوق و تکالیف والدین بر کودک پرداخته شده است که بسیار کلی است. ما در این تحقیق به صورت تخصصی به مسأله سوءتکفل و مسؤولیت‌هایی ناشی از سوءتکفل، می‌پردازیم و با فقه امامیه و حقوق شهروندی نیز تطبیق می‌دهیم.

۱. پیشینه تحقیق

الف) حبیبی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «حقوق طفل در اسلام و خشونت‌های سیاسی جهان اسلام»، اشاره می‌کند: «امروزه توجه به وضعیت اطفال در ابعاد مختلف در کانون توجهات جامعه بین‌الملل و ارگان‌های حقوق بشری سازمان ملل قرار دارد، تا جایی که همواره قوانین جهان‌شمول متعددی در زمینه حمایت از اطفال از سوی سازمان‌های مربوطه به تصویب رسیده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که فرضیه این پژوهش بر این مبناست که اطفال به‌عنوان افراد غیر نظامی از مصونیت قابل توجهی در حقوق اسلامی جنگ برخوردارند و رویه‌های موجود در ارتباط با اطفال در کشورهای اسلامی دچار منازعات مسلحانه نه تنها منطبق بر حقوق طفل بر مبنای اسلام نیست بلکه به شکل اساسی با آن تناقض دارد. درواقع در این تحقیق به طور کامل حمایت و راهکارها و چگونگی از بین رفتن این مشکلات را توضیح نداده است».

ب) عبدالله‌پور، حسینی، و سیار (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان: «گستره حق والدین بر تربیت طفل مطالعه تطبیقی نظام حقوقی ایران با اسناد بین‌المللی» اشاره می‌کنند «حق والدین بر تربیت طفل از حقوق به رسمیت شناخته شده در فقه امامیه، نظام حقوقی ایران و نیز اسناد حقوقی بین‌المللی است. گستره اعمال این حق نیز مانند بسیاری از حقوق انسانی مطلق نبوده و محدودیت‌هایی قانونی بر آن وارد می‌شود. در این پژوهش ابتدا مبانی حق والدین بر تربیت طفل از منظر فقه

امامیه و سپس جایگاه آن در حقوق داخلی ایران و اسناد بین‌المللی بررسی خواهد شد؛ بعد از آن مهم‌ترین اقسام محدودیت‌های وارد بر حق والدین بر تربیت طفل از منظر فقه امامیه، نظام حقوقی ایران و نیز اسناد بین‌المللی بررسی شده است».

پ) اسدی (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان: «حریم خصوصی کودک و گستره حق والدین بر تربیت» عنوان می‌دارد: «ظاهراً، قائل بودن حریم خصوصی برای طفل با تکلیف والدین به تربیت وی تعارض دارد، زیرا تربیت طفل مستلزم کنترل و نظارت بر ارتباط طفل با دیگران و اطلاعات در دسترس او است. این تحقیق در پاسخ به این پرسش پژوهشی که چگونه می‌توان میان حریم خصوصی طفل و حق والدین بر تربیت، راه حل قانونی یافت، به واکاوی قوانین داخلی ایران و اسناد بین‌المللی می‌پردازد و در نهایت، راه‌حل‌های رفع تعارضات موجود را نشان می‌دهد».

ت) شعبان، مریم (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان: «حقوق کودک در ایران تحلیل وضعیت علمی و اجرایی کمیته حقوق کودک استان مرکزی» عنوان می‌دارد: «پژوهش حاضر به دنبال مطالعه ساختارهای علمی و اجرای حقوق کودک در استان مرکزی بوده است؛ بنابراین سطح تحلیل در سطح کلان و ساختاری است. به این شکل که، کلیه برنامه‌ها، اقدامات و ساختارها در رابطه با حقوق کودک در استان مرکزی، شناسایی و سپس با استفاده از روش تحلیل اسناد کتابخانه‌ای مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. هدف پژوهشگر، شناسایی نقاط قوت و ضعف علمی و اجرایی در رابطه با حقوق کودک در استان مرکزی بوده است و در نهایت به ارائه راه کار برای سیاست‌گذاران در جهت اصلاح وضعیت موجود پرداخته است. عدم وجود تعریف مشخص از «کودک» و «کودکی» در ایران و خرده فرهنگ‌های پراکنده در استان‌ها مانند استان مرکزی و شکاف در بین تعاریف نهادهای مختلف از جمله نهاد دین، قانون و حقوق، علاوه بر عدم انطباق هرکدام با فرهنگ عامه، عدم وجود قدرت تجویز و سیاست‌گذاری برای کمیته‌های حقوق کودک استانداری‌ها از جمله استانداری مرکزی، سیستم انکار دستگاه‌های متولی برنامه‌های حمایت از کودکان و در

و احوال و خصوصیات و دلایل و قراین موجود در این باره تصمیم می‌گیرد.

در جنبه نو بودن موضوع، همین بس است که براساس آخرین بررسی‌ها و اطلاعات محقق، تاکنون تألیف و تحقیق جامعی در زمینه مسئولیت‌های ناشی از سوءتکفل کودکان با تأکید بر فقه امامیه و منشور حقوق شهروندی انجام نشده است.

۲-۲. تعریف حریم خصوصی: «با آنکه عبارت حریم خصوصی در زبان محاوره و نیز مباحث فلسفی و سیاسی و حقوقی مکرر استعمال می‌شود، ولی هنوز تعریف متقن و مشخصی از آن ارائه نشده است. حریم خصوصی قلمروی از زندگی اشخاص است که نوع انسان با درک نیازهای جامعه در هیچ وضعیتی تجاوز به آن را جایز نمی‌شمارد. به دیگر سخن، حق افراد، گروه‌ها یا مؤسسات نسبت به اینکه چه موقع و چگونه و چه اندازه اطلاعات درباره آن‌ها به دیگران منتقل شود، حق حریم خصوصی نام دارد» (۳).

۳. بررسی تطبیقی حقوق طفل در قرآن و کنوانسیون حقوق کودک و حقوق شهروندی

الف) قرآن کریم هر آنچه حق طفل بوده (بدون نقص) بیان نموده است؛ حتی بیشتر از حقوق مادی به حقوق معنوی و اخلاقی پرداخته است، اما به نظر می‌رسد کنوانسیون حقوق کودک در برخی جهات دچار افراط و تفریط‌های شده است. برای مثال در بحث تربیت و حقوق معنوی کوتاهی کرده است و تنها در ماده ۲۸ به حق آموزش و پرورش، در ماده ۲۹ به اهداف تربیتی اشاره‌ای کلی و گذرا کرده است. همچنین در برخی ماده‌ها به جای واژه کودک از افراد استفاده شده است. مثلاً ماده ۱۳ درباره نفع طفل چنین آمده است: در انجام هر اقدامی که به نوعی به طفل مربوط می‌شود چه در بخش عمومی، خصوصی، اداری یا هر بخش دیگری رعایت نفع و تأمین سلامت طفل بر سایر مسائل تقدم دارد.

ب) قرآن نگاه همه‌جانبه دارد، زیرا حق و تکلیف را با هم جمع کرده است؛ یعنی در مثال حقوق طفل برای او وظایفی هم قائل شده است. مثلاً در سوره «نور» آیه ۵۸ وظایفی را برای طفل در رعایت حقوق والدین مطرح می‌کند: «ای کسانی

و اگذاری مسئولیت حقوق کودکان در استان به دفترهای امور بانوان و خانواده استانداری‌ها منجر به در اولویت دوم قرار گرفتن برنامه‌های حقوق کودک در استان‌ها مانند استان مرکزی شده است. در نتیجه همه این موارد منجر به ایجاد موانعی در بهبود وضعیت حقوق کودکان ایران در (سطح کلان) و استان مرکزی در (سطح خردتر) شده است».

۲. مفاهیم

در این قسمت سعی شده است که دو مورد «طفل» و «حریم خصوصی» از منظر حقوقی تعریف گردد.

۲-۱. تعریف طفل: قانونگذاری ایران، طفل را تعریف نکرده است. کتب قفهی نیز کمتر به تعریف طفل و روشن کردن معنای آن پرداخته‌اند. قانون مدنی اصطلاح طفل را به کار برده است و در باب دوم از کتاب هشتم قانون مدنی با عنوان: «نگهداری و تربیت اطفال از مجموعه مواد» (۱۱۶۸ تا ۱۱۷۹) چنین مستفاد می‌گردد که کلمه طفل مترادف با صغیر به کار رفته است. صغیر در لغت به معنای: «خرد و کوچک» است (۱). حقوقدانان نیز هرگاه از طفل یاد کرده‌اند، آن را به معنای صغیر دانسته‌اند. طفل یا صغیر در اصلاح حقوق به کسی گفته می‌شود که از نظر سنی به نحو جسمی و روحی لازم برای زندگی اجتماعی نرسیده باشد (۲). قبل از اصلاح ماده ۱۲۱۰ (در سال ۱۳۶۱) صغیر به کسی گفته می‌شد که به سن ۱۸ سال تمام نرسیده باشد، حذف ماده ۱۲۰۹ و اصلاح ماده ۱۲۱۰ و در نتیجه لغو ۱۸ سال به عنوان سن کبیر، امروزه مفهوم صغیر در فقه و حقوق مدنی یکسان است و هر کسی که به سن بلوغ نرسیده باشد، صغیر به شمار می‌آید. در حقوق ایران صغیر ممکن است غیر ممیز باشد. صغیر غیر ممیز شخص نابالغی است که دارای قوه درک و تمیز نیست، زشت را از زیبا و سود را از زیان تشخیص نمی‌دهد و نمی‌تواند اراده حقوقی داشته باشد؛ لیکن صغیر ممیز، دارای قوه درک و تمیز نسبی است. با اینکه به سن بلوغ نرسیده، زشت را از زیبا و سود را از زیان باز می‌شناسد و می‌تواند اراده حقوقی داشته باشد.

در حقوق مدنی ایران تمیز سن خاصی ندارد و در صورت بروز اختلاف، تشخیص آن با دادگاه است که با توجه به اوضاع

که ایمان آورده‌اید باید کسانی از بردگان که مالک شده‌اند و کسانی از اطفال که به بلوغ نرسیده‌اند، در سه مرتبه از شما رخصت بگیرند: پیش از نماز صبح، و هنگام نیمروز که لباس‌های رسمی خود را فرو می‌نهد و بعد از نماز عشاء. و این‌ها سه وقت مخصوص امور جنسی شماست که بعد از آن زمان هیچ گناهی بر شما و بر آنان نیست که بدون رخصت وارد شوند، [که بدون اجازه وارد شوند، زیرا آنان] همواره نزد شما در رفت و آمدند و با یکدیگر نشست و برخاست دارید؛ این‌گونه خدا آیتش را برای شما روشن بیان می‌کند و خدا، دانا و فرزانه است و هنگامی که اطفال شما به سن بلوغ می‌رسند، پس باید رخصت بگیرند؛ همان‌گونه کسانی که پیش از آنان بودند، رخصت می‌گرفتند. این‌گونه خداوند، آیتش را برای شما روشن بیان می‌کند و خدا دانای فرزانه است. این در حالی است که در کنوانسیون، هیچ بحثی از وظایف اطفال به میان نیامده است.

پ) در ماده یک کنوانسیون، طفل را این‌گونه معرفی می‌نماید: «از نظر این کنوانسیون منظور از طفل، افراد انسانی زیر هجده سال است مگر اینکه طبق قانون قابل اجرا در مورد طفل، سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود» (۴). این تعریف انتهای طفلی را مشخص نموده، اما به ابتدای طفلی اشاره‌ای ندارد و گویا این مسأله بدیهی است که «ابتدای طفلی از زمان تولد انسان است، لکن از نظر قرآن ابتدای طفلی از لحظه انعقاد نطفه بوده، انتهای آن از ابتدای بلوغ است، زیرا هدف انسانی از لحظه انعقاد نطفه از حقوق خاص برخوردار می‌گردد که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. قرآن در مرحله جنینی از طفل با عنوان انسان یاد می‌کند» (سوره مؤمنون ۱۲ و ۱۴).

ت) حیات اخروی از مهم‌ترین حقوق طفل است، بلکه مهم‌ترین حق انسانی است، ولی کنوانسیون بدان نپرداخته است. آیات قرآنی در این زمینه بسیار است و در تمامی این آیات، توجه به حیات اخروی و خط فکری صحیح، بر عهده والدین نهاده شده و از حقوق طفل شمرده شده است.

ث) قرآن حتی به جزئیات حقوق از جمله شیرخوارگی و حق اسم برای طفل نیز به طور مفصل اشاره کرده است: «وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّي أُعِيذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» (۳-۳۶). من او را مریم نام گذاردم و او و فرزندان او را از

وسوسه‌های شیطان رانده شده در پناه تو قرار می‌دهم، اما در مقابل، کنوانسیون از این جزئیات بسیار مهم، هیچ یادی نمی‌کند یا اگر از آن یاد کرده است، ما حق اسم صرفاً کلی و بدون دادن هرگونه روش و الگو می‌باشد. ماده ۸ - دولت‌های عضو پیمان موظف هستند که حقوق طفل را رعایت کرده و هویت فردی، تابعیت، نام و روابط شناخته شده خانوادگی او را مطابق قانون حفظ نمایند. با توجه به اینکه کنوانسیون تنها مشتمل بر ۴ ماده است که البته بخشی از آن مواد، ناظر به شکل ظاهری کنوانسیون اجراء امضا، نگهداری آن و ... می‌باشد، اینکه در همان مواد اصلی نیز به صورت کلی و مبهم بحث کرده، نشان‌دهنده این است که این کنوانسیون از جامعیت لازم برخوردار نیست بلکه دارای کاستی‌ها و نقایص بسیار است» (۵). بنابراین با مقایسه حقوق طفل در قرآن و در کنوانسیون حقوق طفل نتیجه می‌گیریم که قرآن درخصوص حقوق طفل در کمیت و کیفیت نسبت به کنوانسیون حقوق طفل برتری دارد.

۴. نقش خانواده در تربیت صحیح اطفال از منظر حقوق

شهروندی

خانواده به‌عنوان یکی از مقدس‌ترین نهادهای اجتماعی دارای کارکردهایی است که مهم‌ترین آنها: «پرورش و تربیت فرزندان است. با شروع پیمان زناشویی و تولد طفل در خانواده، هریک از پدر و مادر مسؤولیت‌های جدیدی را بر عهده می‌گیرند. بنابراین چنانچه هریک از والدین نسبت به انجام وظایف خود در قبال کودکان کوتاهی یا تقصیر نماید، با مسأله سوءتکفل مواجه خواهیم بود که این مسأله ممکن است، صدمات کوچک یا بزرگی را بر کودک وارد نماید.

جامعه پیشرفته بر پایه سازندگی و براساس عدالت، آزادی و شناخت حقوق انسان بنا نهاده شده است. اولین موفقیت، توسعه و رشد هر جامعه‌ای بستگی به اطفالی دارد که در آن محیط تربیت و پرورش می‌یابند و درواقع سازندگان واقعی فردای آن جامعه هستند، لذا می‌بایست هم به نیازهای مادی و هم معنوی آنان عنایت ویژه شود.

در جهان امروز، اندیشه محترم شمردن حقوق کودک و نوجوان به عنوان اندیشه‌ای اساسی در تربیت آنان و حمایت و مساعدت همه‌جانبه در رشد فکری، سلامت روحی و روانی

عیاش باشد - که طفل را با خود به مجالس و محافل ناشایست ببرد - دادگاه آنچه را به مصلحت طفل است، انجام می‌دهد مانند: سپردن طفل به دیگری، تعیین سرپرست برای او یا نظارت کسی برای نگهداری او، دادگاه در این مورد در تعیین شیوه نگاهداری و تربیت طفل مختار است» (۲).

مصادیق انحطاط اخلاقی در ماده ۱۱۷۳ ق.م بیان شده است. این موارد عبارت است از: «اعتیاد زیان‌آور به الکل، مواد مخدر و قمار، اشتهار به فساد اخلاقی و فحشا، ابتلا به بیماری‌های روانی با تشخیص پزشک قانونی، سوءاستفاده از طفل یا اجبار او به ورود به مشاغل ضداخلاقی مانند: فساد و فحشا، ولگردی و قاچاق، تکرار ضرب و جرح خارج از حد متعارف. در فقه نیز انحطاط اخلاقی را مانع سرپرستی می‌دانند» و برخی از فقها به آیه «لانصار والده بولدها» (بقره ۲۳۳) استدلال می‌نمایند.

۶. حق طفل و تربیتش بر والدین از منظر فقه امامیه و

حقوق شهروندی

صورت‌بندی اقسام حق در مقام ثبوت سه ویژگی اساسی برای حق در مقابل حکم، توسط فقهای مشهور امامیه مطرح شده است که عبارتند از: «اثبات‌پذیری حق، نقل‌پذیری حق و انتقال‌پذیری حق (۸). علاوه بر این سه ویژگی بارز، ویژگی‌های چهارمی نیز توسط برخی از فقها و خبرگان، تحت عنوان: امکان تعهد به سلب حق افزوده شده است» (۹).

آنچه مسلم است، نظر فقهای مشهور امامیه بر این عقیده وفاق دارند که فارق اصلی برای تمایز میان حق از حکم، مشتمل بر سه ویژگی بالا ذکر شده است. برای بررسی این سه ویژگی، ابتدا می‌بایست صورت‌های مختلف حق در دو مقام ثبوت و اثبات مورد بررسی قرار گیرند و پس از آن این ویژگی‌ها به ترتیب اهمیت و اولویت آن‌ها بررسی شود. در باب معنای حق، فقها نسبت به ویژگی اسقاط و نقل و انتقال حق، صورت‌های مختلفی را مطرح نموده‌اند. به طریقی که چند حالت و روال در خصوص حقوق، نسبت به قبول این سه ویژگی و یا عدم قبول آن‌ها، وجود دارد. بر این اساس، هفت صورت متفاوت را در مقام تصور یا ثبوت (از دیدگاه علمی) می‌توان در باب ویژگی‌های حق متصور شد:

آنان به شمار می‌رود. بررسی وضعیت اطفال یا جوانان بزهکار نشان داده است که در اکثر موارد، حقوق آنان در ایام کودکی تضییع شده و یا بنابر شرایطی، یکی از شکنجه‌های روحی و روانی را مشاهده کرده‌اند. امروزه توجه به وضعیت اطفال در ابعاد مختلف در کانون توجهات جامعه بین‌الملل و ارگان‌های حقوق بشری سازمان ملل قرار دارد تا جایی که همواره قوانین جهان‌شمول متعددی در زمینه حمایت از اطفال از سوی سازمان‌های مربوطه به تصویب رسیده است» (۶).

حق والدین بر تربیت طفل از حقوق به رسمیت شناخته شده در فقه امامیه، نظام حقوقی ایران و نیز اسناد حقوقی بین‌المللی است. گستره اعمال این حق نیز مانند بسیاری از حقوق انسانی مطلق نبوده و محدودیت‌هایی قانونی بر آن وارد می‌شود (۷)!

فقها بحث مستقلی در باب حکم تربیت اطفال نداشته‌اند، اما می‌توان چنین برداشت کرد که مقصود آنان از حضانت معنایی عام است که تربیت را نیز شامل می‌شود و می‌توان نتیجه گرفت تربیت اطفال در بعضی موارد بر اولیاء واجب و در بعضی موارد مستحب است (۷)!

۵. انحطاط اخلاقی و ناتوانی در نگهداری طفل

ماده ۱۱۷۳ ق.م مقرر می‌دارد «هرگاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادر که طفل تحت سرپرستی اوست صحت جسمانی و یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد، محکمه می‌تواند تقاضای اقرای طفل یا به تقاضای قیم او یا مدعی‌العموم (دادستان) هر تصمیمی را که برای سرپرستی طفل مقتضی بداند، اتخاذ کند». با بررسی این ماده دو فرضیه به دست آمده: «اگر به علت طلاق یا علل دیگر پدر یا مادر طفل با هم زندگی نکنند و در اثر مواظبت نمودن یا انحطاط اخلاقی کسی که تحت سرپرستی اوست، سلامت جسمانی یا تربیت اخلاقی او در معرض خطر باشد، دادگاه طفل را از او گرفته، به دیگری واگذار می‌نماید، زیرا طبق ماده ۱۱۶۸ سرپرستی طفل هم حق و هم تکلیف ابویین است یا اگر ابویین طفل با هم زندگی می‌کنند و در اثر انحطاط اخلاقی آنان، سلامت جسمانی و تربیت او در معرض آسیب باشد، برای نمونه، مادر طفل، فساد اخلاقی داشته باشد یا پدر، مردی

۷. محدودیت‌های حق والدین در تربیت کودکان با استناد به حقوق شهروندی

مطابق با قوانین موضوعه و حقوق شهروندی، والدین وظیفه‌ای از جمله تربیت فرزندان دارند که در این بین محدودیت‌هایی به شرح ذیل برای این وظیفه مقرر گشته است و در ذیل به تشریح محدودیت‌های فوق پرداخته شده است.

۷-۱. محدودیت ناشی از حق طفل بر تمامیت

جسمانی خویش با تأکید بر آموزه‌های حقوق بشری: برای تبیین هرچه بیشتر این محدودیت «ابتدا لازم است، ماهیت حق طفل بر تمامیت جسمانی‌اش روشن شود تا معلوم گردد با توجه به اقتضات حق طفل، رفتارهای تربیتی والدین باید تابع چه شرایطی باشد که حقی اساسی در حقوق بشر قلمداد شود. پس از حق بر حیات، تمامیت جسمانی افراد به‌عنوان حقی مبتنی بر کلیت جسمانی از مهم‌ترین حقوق انسانی و حقوق بشری قلمداد می‌شود.

در اسناد متعدد حقوق بشری از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق حقوق مدنی - سیاسی و ... این حق مطرح شده است. ممنوعیت شکنجه و حق بر آزادی جسمانی در مقابل حبس و بازداشت از ارکان این حق به حساب می‌آید. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصول متعددی ناظر به حق انسان بر تمامیت جسمانی خویش وجود دارد. اصل سی و هشتم و اصل سی و دوم، ممنوعیت شکنجه را حتی برای نفع عمومی و ایجاد نظم ممنوع می‌کنند، از جمله این اصول هستند. سلب آزادی جسمانی جز به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند، پرداخته است. اصل بیست و دوم قانون اساسی نیز مقرر داشته است که حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند. در فقه امامیه نیز هرگونه تعرض غیر قانونی به تمامیت جسمانی افراد ممنوع شمرده می‌شود و مجازات‌های دبه و قصاص به عنوان ضمانت‌های اجرایی اعمال این ممنوعیت به شکل مبسوط و دقیقی در منابع فقهی پیش‌بینی شده است» (۱۱).

این حق که از حقوق اساسی همه انسان‌ها به شمار می‌آید «در مورد اطفال نیز از بدو حیات جاری است و کسی حق

(۱) حقوق قابل اسقاط، نقل و انتقال. (۲) حقوق قابل اسقاط فقط. (۳) حقوق قابل نقل فقط. (۴) حقوق قابل انتقال، فقط. (۵) حقوق قابل اسقاط و نقل فقط. (۶) حقوق قابل اسقاط و انتقال، فقط. (۷) حقوق قابل نقل و انتقال، فقط.

لازم به یادآوری است که فرضی مستتر در رده‌بندی فوق آن می‌باشد که حداقل یکی از آثار سه‌گانه فوق در هر حقی وجود دارد؛ به عبارت دیگر در اصطلاح منطبق، هیچ حقی بر سبیل، عاری از یکی از این سه ویژگی نیست (۱۰). از این رو، صورتی که حق، قابل اسقاط، نقل و انتقال نباشد، در ذیل صور مرتبط با حق ذکر نشده است، چرا که در غیر این صورت آن فرض ذکر شده دیگر در زمره اموری همچون احکام قرار می‌گیرد و نه حقوق به معنای خاص آن.

آنچه مسلم است، اینکه صور یادشده فوق به اقتضای مقام ثبوت، قابل تصور می‌باشد، در حالی که فقهای متأخر در مقام اثبات صور مختلفی را تصویر کرده‌اند که در بخش آتی به آن‌ها پرداخته می‌شود.

صورت‌بندی اقسام حق در مقام اثبات

با توجه به ادله مثبت موجود در باب آثار حق و موارد و مصادیق آن، فقهای امامیه هر کدام به فراخور حال و براساس نظرات خویش، صور مختلفی را برای اقسام حق ذکر کرده‌اند که در ادامه به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود. به عنوان مثال، در کتاب مکاسب شیخ انصاری در باب میحث عوض قرار گرفتن حقوق، سه صورت مختلف را بیان داشته است که عبارتند از: «حقوق غیر قابل معاوضه با مال - این حقوق غیر قابل اسقاط و نقل و انتقال بوده و شامل حق حضانت و حق ولایت می‌شوند - که در عوض قرار گرفتن آن‌ها جایز شمرده نمی‌شود. حقوق غیر قابل نقل، این حقوق غیر قابل نقل اما در عین حال، قابل اسقاط و انتقال هستند. از جمله: حق شفعه و حق خیار که حکم آن در عوض قرار گرفتن، مانند صورت اول می‌باشد. حقوق قابل انتقال، این حقوق علاوه بر قابل انتقال بودن، دارای قابلیت نقل و اسقاط نیز هستند. از جمله حق تحجیر که قابل معاوضه با مال و قابل نقل هستند که در عوض قرار گرفتن این قسم از حقوق نیز محل اشکال است (۸).

طفل بر تمامیت جسمانی‌اش در تناقض قرار نمی‌گیرد؟ آیا والدین مجاز به نقض تمامیت جسمانی طفل خود هستند؟ چگونه می‌توان راه‌حلی حقوقی و قانونی برای رفع این تناقض به دست آورد؟ از آنجا که فقه امامیه منشأ حقوق و قوانین داخلی است، بررسی موضوع تنبیه در فقه امامیه ضروری به نظر می‌رسد» (۱۳).

۳-۷. حق والدین بر تربیت طفل از منظر حقوق

موضوعه و حقوق شهروندی: مسئولیت مدنی در اصل ناشی از بی‌مبالاتی اشخاص است، ولی برای تحقق مسئولیت مدنی وجود سه رکن ضروری است.

الف) وجود ضرر: هدف از قواعد مسئولیت مدنی، جبران ضرر است، لذا وجود ضرر به طور طبیعی مقدم بر جبران آن خواهد بود. در ماده یک قانون مسئولیت مدنی در این باره چنین آمده است: «هرکس بدون مجوز قانونی، لطمه‌ای وارد کند که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسؤول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد».

ب) ارتکاب فعل زیان‌بار یا نامشروع: ایراد ضرر به دیگری باید با فعل نامشروع انجام گیرد تا قابل جبران باشد. در این باره نیز ماده یک قانون مسئولیت مدنی چنین می‌گوید: «هرکس بدون مجوز قانونی ... فعلی انجام دهد که موجب زیان دیگری شود، ضامن است، اما در صورتی که فعل مشروع باشد مثل دفاع مشروع، اگر موجب خساراتی شود، مسؤول خسارات نخواهد بود؛ همان‌طوری که ماده ۱۵ قانون مسئولیت مدنی نیز مؤید آن است.

ج) رابطه سببیت: «صرف وجود ضرر و ارتکاب عمل نامشروع موجب جبران خسارت نمی‌شود و باید بین ضرر وارده، عامل و فعل زیان‌بار، رابطه سببیت احراز شود به طوری که عرف نیز به آن شهادت دهد» (۸).

در حقوق کیفری مدرن نیز بر پایه چهار اصل مهم استوار گردیده است که عبارت‌اند از: «اصل قانون‌مندی، اصل لزوم ارتکاب رفتار، اصل تقصیر و اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری». در واقع، این اصول با هدف تحقق بهتر عدالت در قلمرو حقوق کیفری به وجود آمده‌اند. به موجب اصل اخیر، هرکس فقط به خاطر رفتاری که شخصاً مرتکب شده است،

سلب آن را ندارد و تجاوز به آن از سوی هر فردی حتی اولیاء والدین طفل مستوجب مجازات‌های قانونی شمرده شده است، چنان‌که محقق حلی معتقد است: «اگر در اثر زدن ولی، بدن فرزند سرخ یا کبود یا مجروح گردد و یا آسیب ببیند و یا فرزند زیر ضربات ولی فوت کند - اگرچه پدر قصاص نمی‌شود - اما به یقین باید دیه بپردازد، حتی اگر زدن فرزند به قصد تأدیب او بوده باشد و غرض دیگری در کار نباشد». (۱۲)

«برخی از فقها معتقدند به مجرد تلون جلد به دنبال ضرب دیه واجب می‌شود و خصوصیت پوست اطفال که با اقل ضرب ملون می‌شود، باعث سقوط دیه نمی‌گردد. ضمن آنکه باید به حداقل ضرب اکتفا شود، ولی به هر حال بنا به مشهور (ولو ضارب مأذون باشد) باید دیه بدهد و علم و جهل ولی نسبت به حکم دیه و لزوم پرداخت دیه تأثیری ندارد» (۱۳).

۲-۷. محدودیت حق والدین در تنبیه بدنی طفل به

منظور تربیت و تأدیب و با رعایت حقوق شهروندی:

تنبیه بدنی به مثابه عاملی بازدارنده همواره به عنوان یکی از ابزارهای تربیت طفل در جوامع مختلف مطرح بوده است، اما باید به گونه‌ای باشد که کرامت انسانی و حقوق شهروندی کودک زیرپا گذاشته نشود «البته در میان متخصصان علوم تربیتی و حقوقدانان پیرامون کارآمد بودن یا کارآمد نبودن این ابزار، جواز یا عدم جواز آن به لحاظ روان‌شناختی و حقوقی و نیز میزان و شدت تنبیه مجاز، مباحث بسیاری مطرح شده است که موجب بروز طیفی از دیدگاه‌های متنوع در این باب شده است. در صورت پذیرش تنبیه به عنوان ابزار مجاز تربیتی و در نظر گرفتن آن به مثابه یکی از شئون اعمال حق تربیت والدین، این پرسش حقوقی مطرح خواهد شد که آیا تنبیه بدنی با حق طفل بر تمامیت جسمانی‌اش در تناقض قرار نمی‌گیرد؟ و آیا حقوق شهروندی طفل را خدشه‌دار نمی‌نماید؟ و آیا والدین مجاز به نقض تمامیت جسمانی طفل خود هستند؟ چگونه می‌توان تنبیه بدنی را به عنوان یکی از عوامل بازدارنده در تربیت طفل در جوامع مختلف در نظر گرفت. در صورت پذیرش تنبیه به عنوان ابزار مجاز تربیتی و در نظر گرفتن آن به مثابه یکی از شئون اعمال حق تربیت والدین، این پرسش حقوقی مطرح خواهد شد که آیا تنبیه بدنی با حق

مسئول است و هیچ‌کس را نمی‌توان به خاطر رفتار دیگری دارای مسئولیت کیفری دانست، با این همه، مقوله جدیدی تحت عنوان: مسئولیت کیفری فعل غیر در حقوق کیفری مدرن مطرح شده است که به نظر می‌رسد با اصل اخیر زاویه دارد.

برخی از حقوقدانان با این استدلال که مقوله مذکور، استثنایی بر اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری است، سعی کرده‌اند از آن دفاع نمایند. مبنای این اظهار نظر آن است که ایشان در شناخت مفهوم مسئولیت کیفری فعل غیر، دچار اشتباه شده‌اند. این اشتباه در مفهوم‌شناسی باعث شده است که درخصوص قلمرو این نوع مسئولیت کیفری نیز راه به خطا برده باشند. در حقوق مدنی در کنار بحث مسئولیت مدنی ناشی از عملی که فرد شخصاً انجام داده است، نوعی مسئولیت مدنی هم به خاطر عملی که دیگری انجام داده است، در نظر می‌گیرند. بنابراین در قلمرو حقوق مدنی گاه می‌بینیم که یک فرد ملزم به ترمیم خسارتی می‌شود که خود شخصاً به وجود نیاورده است، بلکه این خسارت در اثر تقصیر فرد دیگری حادث شده است که تحت نظارت یا تعلیمات یا به دستور وی انجام وظیفه می‌کرده است. از این رو، همان‌گونه که قانون‌گذار نیز پیش‌بینی کرده است والدین مسؤول جبران خسارت ناشی از اعمال اطفال خود هستند. قوانین برخی از کشورها حتی معلمان را مسؤول جبران خسارت ناشی از اعمالی می‌دانند که توسط دانش‌آموزان در محیط مدرسه یا به هنگام یک اردو در بیرون مدرسه صورت می‌گیرد. در همه این موارد آنچه دیده می‌شود یک مسئولیت مدنی به خاطر عمل دیگری است که محدود به یک جبران خسارت مالی می‌شود» (۱۴).

۷-۴. محدودیت ناشی از حق طفل بر حریم

خصوصی و حقوق شهروندی: والدین برای اعمال حق خود بر تربیت اطفال یا به تعبیر دیگر برای انجام تکلیف خود در قبال تربیت اطفال نیاز به نوعی اشراف اطلاعاتی و آگاهی از ویژگی‌های مختلف فرزندان خود دارند. «هرگونه برنامه‌ریزی تربیتی بدون آگاهی از نقاط قوت و ضعف، نیازها، چالش‌ها، دغدغه‌ها و روابط و ... طفل، امکان‌پذیر نیست. از طرف دیگر هر فرد انسانی (از جمله اطفال) براساس مبانی مختلف فلسفی

و حقوقی، حق دارد حریم خصوصی و خلوت شخصی خود را داشته باشد و آن را مصون از اشراف اطلاعاتی دیگران نگاه دارد و مطابق حقوق شهروندی محفوظ بودن حریم خصوصی، از بسترهای ضروری برای تربیت و رشد طفل است. حمایت از حریم خصوصی به‌عنوان مصداقی از حقوق شهروندی، شرایط لازم برای رشد و تکامل شخصیت طفل را فراهم می‌کند تا او بتواند فارغ از فشارها و ملاحظات و محذورات بیرونی مختلف، عرصه‌های خلوت و تنهایی و آرامش و امنیت خاطر برای خود داشته باشد و در آن عرصه‌ها با تعقیب اهداف و غایات کاملاً خصوصی و خالصانه درجات مختلفی از صمیمیت را مطابق با میل خود با دیگر هم‌نوعان برقرار کند» (۸). اینجاست که مسئله تعارض میان حق والدین بر تربیت طفل یا تکلیف آنان بر تربیت و حق طفل در دارا بودن حریم خصوصی خویش ظاهر می‌شود. که باید این حق در تعامل به حقوق شهروندی اعمال گردد.

۷-۵. حق طفل بر دارا بودن حریم خصوصی به

عنوان مصداقی از حقوق شهروندی: طفل، دارای حقوق کثیری در رابطه با والدین می‌باشد لیکن در این مقاله با توجه به جنبه محدودیت‌های موجود حق بر دارا بودن حریم خصوصی تشریح شده است. «از منظر فقه امامیه، حق دارا بودن حریم خصوصی و حقوق شهروندی برای افراد محترم شمرده شده است و می‌توان ادله عقلی و نقلی بر آن اقامه کرد. طبق داوری عقل قطعی و دلالت بدیهی وجدان، اصل و قاعده این است که هیچ‌کس حق زیر نظر گرفتن پنهانی دیگران و کنکاش و جستجو کردن درباره آنها و نیز افشاگری و پخش کردن عیب‌ها و اسرارشان را ندارد. بنابراین تجسس و خبرجویی از اندرون زندگی شخصی مردم و امور پنهانی آنها جایز نیست و به هیچ‌کس اجازه داده نشده است که اسرار و لغزش‌های مردم را پخش و افشا کند.

بر پایه این دو اصل یعنی حرمت تجسس و حرمت پخش اسرار شخصی مردم است که زندگی توده مردم بنیانگذاری شده است. برخی از آیات و روایاتی که به ممنوعیت تجسس و تفتیش در امور دیگران و حفظ حقوق شهروندی شهروندان، تصریح کرده‌اند به شرح زیر می‌باشند: آیه ۱۲ سوره حجرات

نوع تربیت اسلامی و صحیح از واجبات و تکالیف شرعی ایشان است. مقدمات این تربیت، تجسس از عیوب، رذائل اخلاقی، کج‌روی‌ها و ... است. این امر براساس رأی مشهور اصولیین در بحث مقدمه واجب شرعاً و به اتفاق علما عقلاً واجب است (۱۵). تحلیل معاصر این است که نباید به دلیل حریم طفل، نقش سازنده خانواده را محدود کرد و اطلاع والدین از امور خصوصی طفل به معنای مداخله در حریم خصوصی وی نیست، بلکه به معنی حمایت و حراست از طفل در عملکردهایش می‌باشد. تربیت طفل به دنبال تأمین مصالح عالی طفل است و عواملی که مانع این مصالح شوند، طفل را از حق خود محروم کرده‌اند و قاعداً باید حق بر حریم، همسویی با سایر حقوق داشته باشد. از سوی دیگر عدم تجسس والدین در امور فرزندان اگر موجب اختلال در امر تربیت و دفع ضررها و آسیب‌های احتمالی از طفل شود، مصداق ظلم است و ظلم به حکم عقل قبیح و به حکم شرع نیز بایسته نمی‌باشد و تجسس والدین در امور طفل مصداق بر و نیکی و احسان است و لذا پاداش دارد» (۱۶).

نتیجه‌گیری

هدف اصلی در جایز بودن تادیب طفل، تربیت صحیح اوست. در حقوق موضوعه، منشور حقوق شهروندی و فقه اسلامی پیش‌بینی شده است، لذا والدینی می‌توانند در این مسیر گام بردارند که این هدف، آرمان تربیتی آنان باشد. از جمله یافته‌های فقهی می‌توان به نظرات فقها اشاره نمود. چنان‌که فقهای عظام و حضرت امام خمینی (رحمة الله علیه) فرموده‌اند: «تأدیب زمانی جایز است که به مصلحت طفل و در حد متعارف باشد». از این‌رو، آن‌گاه که در تأدیب، مصالح طفل در نظر گرفته نشود یا به طفل بیش از حد متعارف صدمات جسمی و روانی وارد شود، از منظر فقها طفل‌آزاری تحقق یافته است. ضمن اینکه موضع حقوق شهروندی که در منشور حقوق شهروندی مصوب ۱۳۹۵ در نظر گرفته شده است، مخالف کودک‌آزاری است. از جمله یافته‌های تحقیق در تطبیق با قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ می‌توان به مصادیق تصریح‌شده طفل‌آزاری روانی، توهین و قذف طفل اشاره نمود

می‌فرماید: «یا ایها الذین امنوا اجتنبوا کثیراً من الظنّ ان بعض الظنّ اثم ولا تجسسوا ای کسانی که ایمان آورده‌اید از بسیاری گمان‌ها بپرهیزید چرا که بسیاری از گمان‌ها گناه است و تجسس نکنید». طبق نظر مفسرین قرآن مجید، منظور از کلمه «و لا تجسسوا» تحریم کنجکاوی و دنبال کردن لغزش‌ها و خطاهای اهل اسلام است. چنان‌که مرحوم طبرسی در «مجمع‌البیان» آورده است: «ابن عباس، قتاده و مجاهد گفته‌اند: و لا تجسسوا یعنی در پی جستجوی عیب‌ها و دنبال کردن لغزش‌های مردم نباشید. ابوعبیده نیز گفته است: دو واژه تجسس و تحسس معنا و مفهوم یگانه‌ای دارند» (۱۵).

از پیامبر اکرم (ص) روایات متعددی در خصوص ممنوعیت تجسس و تفتیش نقل شده است. از جمله ایشان فرمودند: «از گمان بپرهیزید، چرا که گمان، سخن را در گرداب دروغ می‌افکند. از کنجکاوی و پاییدن یکدیگر بپرهیزید. از حال کسی تفتیش مکنید. از یکدیگر تعریف و تمجید مکنید. بدخواه یکدیگر نباشید. کینه یکدیگر را به دل مگیرید. به هم پشت نکنید و با بندگان خدا برادروار زندگی کنید» (۸).

همچنین پیامبر در حدیثی دیگر فرمودند: «بدترین مردم، بدگمان‌ها و فاسدترین بدگمان‌ها تجسس‌کننده‌ها هستند و بدترین تجسس‌کننده‌ها پرگویندترین آن‌ها و بدترین پرگویان هتاک‌ترین آن‌ها است. از عموم و اطلاق ادله عقلی و نقلی چنین بر می‌آید که این حق درباره اطفال نیز محفوظ است و درباره اصل دارا بودن این حق اختلافی میان طفل و غیرطفل نیست. براساس اسناد بین‌المللی نیز طفل به عنوان فردی از افراد انسانی به لحاظ حقوقی مشمول قوانین مربوط به حریم خصوصی می‌باشد. ماده ۶۱ کنوانسیون حقوق طفل که در آن به طور خاص به حریم خصوصی طفل اشاره شده است، مقرر می‌دارد: «در امور خصوصی، خانوادگی یا مکاتبات هیچ طفلی نمی‌توان خودسرانه یا غیرقانونی دخالت کرد یا هتک حرمت نمود. طفل در برابر این‌گونه دخالت‌ها یا هتک حرمت‌ها مورد حمایت قانون قرار دارد».

از نظر فقهی می‌توان «تجسس ولی طفل و نوجوان جهت تربیت صحیح دقیق و اسلامی طفل و نوجوان را براساس قواعدی جایز دانست. پدر و مادر مسؤول تربیت فرزندان بوده و

احکام کیفری در اسلام دارد، آنجا که حیات جنین یا نوزاد به سبب اجرای حدود، قصاص یا هرگونه تعزیر نسبت به مادرش به مخاطره افتند، اجرای حکم تا هنگام زایمان یا تا پایان دوره شیردهی به تأخیر می‌افتد. در صورتی که جنایت پیش از بارداری رخ داده باشد یا بارداری مورد تردید یا از راه نامشروع باشد، قدرت بر نگهداری و سرپرستی از شرایط عامه تکلیف است و فقهای شیعه، درباره نگهداری، این شرط را نیاورده‌اند. تربیت، پروردن معنوی و ایجاد عادات و ملکاتی در فرد است که او را به سوی کمال سوق دهد». حق والدین بر تربیت طفل از حقوق به رسمیت شناخته شده در فقه امامیه، حقوق شهروندی و نظام حقوقی ایران است.

که در ماده ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی و عموم ماده ۱۴۵ و ۶۰۸، مجازات آن تا ۷۴ ضربه شلاق قرار داده شده است. برخی از فقها در این باره می‌گویند: «هیچ شرع و قانونی چه رسد به شرع مقدس اسلام که دینی الهی است، آزار انسان‌ها، چه رسد به اطفال مظلوم و بی‌پناه آن‌هم در محیط بسته خانه را اجازه نداده و نمی‌دهد و عقل و نقل و همه علما و فقها اجمالاً آن را حرام، معصیت، گناه، ظلم و ایذاء می‌دانند و ناگفته نماند که به حکم اطلاق ادله حرمت ظلم و اذیت، فرقی بین ایذاء جسمی و روحی نمی‌باشد و هر دوی آنها حرام است و مرتکب، علاوه بر ضمان و لزوم جبران خسارت و ضرر وارده به طفل، همانند ضرر به دیگران مستحق تعزیر هم می‌باشد. حقوق طفل در اسلام (متون دینی و فقه) و قوانین ایران خاصه در منشور حقوق شهروندی در شماری از آیات قرآن و بسیاری از احادیث معصومین (ع)، به صراحت یا اشارت، به حقوق طفل توجه شده است».

در اصل بیست‌ویکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «به حمایت از حقوق طفل اشاره شده و مصادیق حقوق طفل، در بسیاری از مواد قانون مدنی و قوانین جزایی ایران، بر پایه آرای مشهور فقه امامی، مورد توجه قرار گرفته است. حقوق طفل از آن جهت که انسان هست اعم از حقوق فردی، اجتماعی و اقتصادی، با حقوق بزرگسالان یکسان است و برخلاف نوع دوم، ویژه دوران طفلی نیست. مثلاً در برخورداری از حق حیات که مهم‌ترین و اساسی‌ترین حق هر انسان است و نیز حق سلامت جسمانی، طفل و بزرگسال تفاوتی ندارند. براین اساس، کیفر سلب این حقوق هم در مورد هر دو یکسان است. حتی جنین انسان حَمَل به محض تکون، از حرمت و نیز اهلیت متمتع شدن از حقوق (البته به صورت ناقص) برخوردار است و به تدریج به موازات رشد او حقوق او بیش‌تر می‌شود.

از دیدگاه فقها، نَفْسِ محترم، همان قدر که بر بزرگسال صدق می‌کند، بی‌کم و کاست بر طفل و حتی بر جنین انسان - به‌ویژه پس از پیدایش حیات در آن وُلُوج روح - نیز صادق است. از این رو اسقاط عمدی جنین در فقه اسلامی، مستوجب پرداخت دیه است. جنین حاصل از راه غیر شرعی نیز واجد حرمت و مشمول این حقوق است. با تمام اهمیتی که اجرای

References

1. Moin, M, Farhang-e Farsi Tehran: Sepehr Publishing, 1996, 245. [Persian]
2. Emami, S. H, Family Law. Volume 5. Tehran: Islamic Publications, 2011, 178. [Persian]
3. Ali Akbari Babukani, E, Espionage for a private harem, Individuals from the Jurisprudence of the Front, Tehran, Daneshvah Imam Sadiq (peace be upon him), 2015, 72. [Persian]
4. Saeidnia, M. R, Collection of Laws for Children and Adolescents. Tehran: Legal Publications, 2006, 12. [Persian]
5. Asadi, H, Family and its rights, Mashhad, published in 2018, 300. [Persian]
6. Faqih Habibi, A, Child Rights in Islam and Political Violence in the Islamic World, Journal; Political Research of the Islamic World No. 23, 2017, 141 to 167. [Persian]
7. Pour Abdollah, k, et al., The scope of parents' right to child rearing (Comparative study of the Iranian legal system with international documents), Journal of Women's Strategic Studies, No. 60, 2013, 195-238. [Persian]
8. Ansari, M, Kitab Al-Makassab, Beirut, publications of the Al-Nour Foundation for Publications, 2014, 224. [Arabic]
9. Mohaghegh Damad, M, the rules of jurisprudence of Bakhsh Madani, Tehran: Insarat Pag I, 2012, 287. [Persian]
10. Ja`fari Langrudi, M. j, Terminologi Hokkuq, Tehran: Janj Danesh, Avi Shanzdhum, 2016, 5. [Persian]
11. Najafi, S. M. H, Jawahar al-Kalam fi Sharh Shari'a al-Ahkam, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. 2015, 167. [Arabic]
12. Allama Helli, H, Rules of Judgment, Tehran: Nashr-Mizan, 2014, 670-690. [Arabic]
13. Khoyi, A, Misbah al-Fiqh, Qom: Al-Dawri Office, Pagan Awal, 2012, 413-418. [Arabic]
14. Abul-Qasim Zadeh, M, The Influences of Klasik Allman's Philosophy and the Coup of Frances Berikdir", Namah Mufid, N 44: 2014, 126-107. [Persian]
15. Tabarsi, A, Majma 'al-Bayan fi Interpretation of the Qur'an, Beirut, Al-Alamy Foundation for Publications, 1994, 137.
16. Ayvandi, Gholamreza, The Rights of the Qom Child: Ohshaah Farhan and Andisheh Islami, 2011, 343. [Persian]. [Arabic]